

یادداشت دربارهٔ وندیداد فریدون مرزبان

کتایون مزداپور*

(پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

دربارهٔ وندیداد دستنویس فریدون مرزبان که در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است، تا کنون دو یادداشت در آن مجله انتشار یافته است که نیازمند به توضیح است.

در نخستین یادداشت، آقای عبدالرحمان عمادی این دستنویس را، با اتکا به آمدن واژهٔ «یشت» در یادگارنامهٔ آن، وندیداد ندانسته‌اند.^۱ ایشان به درستی اشاره به اختلاف میان «یشت» و «وندیداد»^۲ کرده‌اند و این صحیح است. اما، افزون بر این، می‌دانیم که یسنا و یشت هر دو به معنای ستایش و نیایش است. اولی معمولاً بر ستایش و نیایش به معنای عام اطلاق می‌گردد و امروزه به صورت اسم علم برای یکی از پنج کتاب اوستا درآمده است که آن را به نام یسنا (yasna) می‌شناسیم. دومی نیایش است به معنای خاص و نام کتاب دیگری از اوستا است. این کتاب را مجموعاً یشت‌ها و هر پاره از آن را یشت می‌گویند که هر یک از آنها به ستایش آفریدگار یا به ویژه یکی از فرشتگان یا ایزدان می‌پردازد.^۳

جز این، نام یشت بر خود یسنا نیز اطلاق می‌شده است. مثالی از این کاربرد را در نام کتاب یشت و نیرنگ^۴ می‌بینیم که به اهتمام دستور نامدار شهریار و دستور رستم خسرو مهربان به چاپ رسیده و در آن مراسم و آداب و نیز نیایش‌هایی که می‌باید در آیین موسوم به «یزشن خوانی» برگزار گردد و خوانده شود آمده است.^۵ در این کتاب از یشت‌ها به معنای امروزی واژه اثری نیست.

اما در یزشن خوانی بزرگتری، همهٔ ویسپرد و تقریباً همهٔ یسنا به همراهی وندیداد را توأم با آدابی ویژه می‌سراییدند.^۶ مجموعه‌ای را که برای خوانده شدن در این مراسم و آیین نیایش می‌نوشتند نیز وندیداد می‌نامیدند. وندیداد فریدون مرزبان نیز از این قبیل است و در یادگارنامهٔ آن، خودکاتب چند بار این کتاب را «جُددیوداد» خوانده است که فارسی آن می‌شود «وندیداد». نام کاملتر کتاب، باز به قول خودکاتب، چنین است: «اوستای یشت و ویسپرد و جُددیوداد با نیرنگ، رستهٔ یزشنی». این عنوان دو بار در یادگارنامهٔ این دستنویس تکرار شده و در وندیداد آستان قدس نیز که بخش قدیمی آن به خط بهرام مرزبان، برادر فریدون مرزبان است،^۷ آمده است. منظور از یشت در آن بخش از یادگارنامهٔ دستنویس فریدون مرزبان که در دفتر پنجم نامهٔ بهارستان تصویر آن انتشار یافته است،^۸ هفتن یشت یا هفت هات (یسن ۳۵-۴۲) است که به ویژه یشت نامیده می‌شود و در نیمهٔ این دستنویس نگارش آن به پایان می‌رسد.

مهندس محمدحسین اسلام‌پناه نکتهٔ مهمی را دربارهٔ تاریخ کتابت این دستنویس مرقوم فرموده‌اند که جای بحث و گفتگو دارد.^۹ استاد به تاریخ نگارش این نسخه به زبان و خط پهلوی اشاره کرده‌اند که با قید

* دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی.

- ۱ عبدالرحمن عمادی، «دو نکته دربارهٔ تاریخ انجامة و نسخه»، نامهٔ بهارستان، س ۳، ش ۲ (۱۳۸۱)، دفتر ۶: ۵۰۷.
- ۲ احمد تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (تهران: سخن، ۱۳۷۶)، ص ۳۹-۶۲.
- ۳ یسنا، گزارش ابراهیم پورداود، (تهران: دانشگاه تهران، ج ۳، ۱۳۵۶)، ۱: ۲۳.
- ۴ بمبئی، چاپ ۱۲۶۲ بزرگدی برابر با ۱۳۱۰ هجری قمری؛ نیز ص ۳۰.
- ۵ نک: یسنا، گزارش ابراهیم پورداود، (تهران: دانشگاه تهران، ج ۳، ۱۳۵۶)، ۲: ۱۶-۲۰.
- ۶ پورداود، یسنا، ۱: ۲۶-۲۷.
- ۷ نک: فاطمه جهانپور، «وندیداد آستان قدس»، نامهٔ بهارستان (همین دفتر)، ص ۳۸۹-۴۰۰.
- ۸ ص ۶۳ و ۸۵.
- ۹ محمدحسین اسلام‌پناه، «دو مبدأ برای تاریخ بزرگدی»، نامهٔ بهارستان، س ۷/۶ (۸۵-۱۳۸۴)، دفتر ۱۱ و ۱۲: ۳۵۳-۳۵۴.

«پس از بیست» یزدگرد است. تاریخ «پس از بیست یزدگرد»، یعنی بیست سال پس از تاجگذاری یزدگرد سوم، مصادف با زمان قتل او است و آن را تاریخ پارسی یا فرسی و مجوسی می‌نامند.^{۱۰} تاریخ دیگر تاریخ یزدگردی است^{۱۱} که با نخستین سال سلطنت یزدگرد سوم آغاز می‌گردد و ده سال با تاریخ هجری شمسی تفاوت دارد. تاریخ یزدگردی تاکنون به کار می‌رود، حال آن‌که تاریخ پارسی فقط در نخستین قرون اسلامی رایج بوده است و با تاریخ یزدگردی نیز گاهی خلط می‌شود.^{۱۲}

تاریخ نگارش دستنویس فریدون مرزبان، همانند با دیگر نوشته‌های پهلوی و اوستا، هرگاه که به خط و زبان پهلوی می‌آید، همان واژه‌های «پس از بیست» یزدگرد را بر خود دارد. حال آن‌که در نگارش فارسی، این تاریخ‌ها همه می‌شود «یزدگردی». هرچاکه ضبط تاریخ‌ها با دو خط و زبان باشد، این دوگانگی به چشم می‌خورد. در نامه‌هایی که از فریدون مرزبان و خویشاوندان معاصرش در روایات داراب هرمز یار برجای مانده است نیز همواره این تاریخ یزدگردی است که به کار می‌رود؛ مثلاً:

ز تاریخ شه یزدگرد شهریار سه یک سال کم هست اندر هزار^{۱۳}

این تاریخ یزدگردی که در آن روزگار با هجری قمری چهل سال اختلاف داشته است، بارها در روایات داراب هرمز یار می‌آید، مثلاً در پایان همین نامه منظوم از فریدون مرزبان برای هندوستان که به خط برادرزاده‌اش کتابت شده است:

«نوشته شد این رقعه نامه بروز آدر نهم ماه قدیم بهمن یازدهم ماه الهی سنه ۹۹۶ یزدگرد بن شهریار سنه ۱۰۳۶ من الهجریه؛ بنده کمینه فریدون بن مرزبان و رستم ابن دستور نوشیروان بن مرزبان دستور». ^{۱۴} همین اختلاف چهل ساله است که بر سنگ یادبود بنای شاورهرام ایزدکرامان^{۱۵} نیز دیده می‌شود.

از سنجش این تاریخ‌ها چنین برمی‌آید که در دستنویس‌های پهلوی، بَهرِ کم در آن حدود زمانی، همین سنت نوشتن عبارت «پس از بیست» یزدگرد، فقط به صورت یک رسم نگارشی محض برجای مانده بوده است و در نتیجه، هنگام نگارش تاریخ یزدگردی، آن را به شکل تاریخ پارسی و مجوسی می‌نوشته‌اند و چنین ابهامی در ضبط فارسی تاریخ‌ها در کار نیست و در آنها به روشنی همان تاریخ یزدگردی است و نه مجوسی و پارسی. به ویژه شاهدی که این واقعیت را تأیید می‌کند ضبط تاریخ کتابت و نذیرداد آستان قدس رضوی است. بهرام مرزبان، برادر کهنتر فریدون مرزبان، کاتب آن، تاریخ نگارش دستنویس خود را به زبان پهلوی سال ۹۹۲ و با قید همین عبارت پس از بیست یزدگرد شهریار آورده است، اما در شعر فارسی، همین تاریخ را به صورت نهصد و نود و دو شاه یزدگرد و برابر با سال هزار و سی و دو هجری ضبط کرده است. ملاحظه می‌فرمایید که در ضبط فارسی، میان دو تاریخ همان چهل سال فاصله هست و منظور کاتب از سال ۹۹۲ در اینجا بی‌گمان تاریخ یزدگردی است، و نه پارسی و فرسی و مجوسی.

این گواهی روشن خود از جمله دلایلی است که بر مبنای آنها برای کتابت و نذیرداد دستنویس فریدون مرزبان باید همان تاریخ ۹۷۶ یزدگردی را پذیرفت و آن را یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های اوستای جهان دانست که بخشی بزرگ و مهم از کتاب مقدس نیاکانی ما را با مدد پروردگار تقریباً به صورتی کامل حفاظت و نگاهداری کرده است.

^{۱۰} رضا عبداللهی، تاریخ تاریخ در ایران (تهران، امیرکبیر، ۲، ۱۳۷۵)، ص ۲۷۱-۲۷۶.

^{۱۱} همان، صص ۲۴۹-۲۶۵.

^{۱۲} همان، ص ۲۷۶.

^{۱۳} روایات داراب هرمز دیار، به کوشش مانکجی رستم‌جی اونوالا (بمبئی، ۱۹۲۲)، ۲: ۱۵۴، س ۱۴.

^{۱۴} همان، ص ۱۵۷.

^{۱۵} اسلام‌پناه، «دو مبدأ برای تاریخ یزدگردی»، ص ۳۵۴.